

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۲/۲۹
تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۹/۰۴

ذات‌الله نیک‌زاد^۱، رضا ابویی^۲

تاریخ‌نویسی معماری ایران در خلال تجربه‌های مرمتی نیمه نخست سده چهاردهم شمسی^۳

چکیده

تاریخ‌نویسی معماری در ایران از راه‌های گوناگونی که امکان تقرب به آثار و اسناد معماری وجود داشته، فراهم آمده است. در این تحقیق مرمت یکی از این راه‌ها فرض شده است. زیرا در سیر تجربه‌های حفاظت و مرمت ایرانیان با پیشینه نزدیک به یک سده، به سبب سروکار داشتن با آثار معماری و اقدامات اجرایی، اسناد و داده‌هایی فراهم آمده که از نگاه تاریخ‌نگاری معماری قابل تأمل است. نیمه نخست سده چهاردهم شمسی به سبب نخستین توجهات و اقدامات سازمان‌یافته به آثار معماری مورد توجه این تحقیق است. تحقیق با این پرسش طرح‌ریزی شده است که از تجربه‌های مرمت نیمه نخست سده چهاردهم شمسی ایران چه منابع و اسنادی در ارتباط با مطالعه آثار معماری برجای مانده و جایگاه این مکتوبات در تاریخ‌نویسی معماری چیست؟ به سبب اینکه موضوع مربوط گذشته است، روش تحقیق توصیفی - تاریخی و با اتکا به مطالعات کتابخانه‌ای پی‌گیری می‌شود. با این هدف که جایگاه مرمت در پیوند با تاریخ‌نویسی در مقطع یادشده تبیین شود. تحقیقاتی که از راه مرمت در مقطع زمانی مورد نظر فراهم شده، یا در تدوین تاریخ‌نامه‌های معماری همچون آثار ایران به کار آمده، یا خود تحقیقات مستقلی بوده که در قالب مقاله‌هایی انتشار می‌یافت. نحوه دوم تاریخ‌نویسی را محققان ایرانی که سرپرستان مرمت بوده‌اند، به سرانجام می‌رسانند. نتیجه اینکه گوشه‌هایی از کار مرمت در نیمه نخست سده چهاردهم شمسی نه فقط اقدامی اجرایی که در خدمت مطالعه بناهای تاریخی و گاه تاریخ‌نویسی معماری ایران بود.

کلیدواژه‌ها: تاریخ‌نویسی معماری ایران، مرمت، بناهای تاریخی، سده چهاردهم شمسی.

^۱ دانشجوی دکتری مرمت بناهای تاریخی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، استان اصفهان، شهر اصفهان

E-mail: zatnikzad@yahoo.com

^۲ دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه یزد، استان یزد، شهر یزد (نویسنده مسئول مکاتبات)

E-mail: r.abouei@yazd.ac.ir

^۳ مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری ذات‌الله نیک‌زاد با عنوان «حفاظت معماری و تحقیق تاریخ معماری: تمهید مبنایی نظری برای حفاظت، به‌منزله حوزه‌ای میان‌رشته‌ای در پیشبرد تحقیق تاریخ معماری ایران» است که به راهنمایی دکتر رضا ابویی و دکتر مهرداد قیومی بیدهندی در دانشکده حفاظت و مرمت دانشگاه هنر اصفهان در حال انجام است.

مقدمه

نیمه نخست سده چهاردهم شمسی در ایران با اهتمام و توجه به آثار تاریخی همراه است. مرمت آثار معماری جزء دغدغه‌ها و اقداماتی در بدنه دولتی بود و از اقدامات محدود تا گسترده در مناطق گوناگون را شامل می‌شد (مصطفوی، ۱۳۳۴). در این مقطع زمانی، تحقیقات باستان‌شناسی، تاریخ هنر و معماری ایران رونق گرفت. مجموعه‌های سیری در هنر ایران و آثار ایران نمونه‌های مثال‌زدنی است. آن‌طور که قابل تشخیص است، داده‌ها درباره آثار معماری بیشتر از راه مشاهده و مستند کردن آثار و تحقیقات باستان‌شناسی فراهم می‌شد که بیشتر غربیان دست‌اندرکارش بودند. اما مرمت به سبب خصلت اجرایی کار در اختیار ایرانیان بود و عمدتاً ایرانیان سرپرستی اقدامات را برعهده داشتند و از همان ابتدا گوشه چشمی نیز به مطالعه این آثار می‌افکندند. از این‌رو که مرمت هیچ‌گاه یک عملیات بنایی و اقدام اجرایی صرف نیست، بلکه منوط به فهم درستی از ارزش‌های موجود در ذخیره میراثی است (فیلدن و یوکیلتهو، ۱۳۸۲، ۳۳)، با این نگاه خوب است به بررسی و تحلیل مرمت آثار معماری و اثرات آن بر تاریخ‌نویسی معماری ایران پرداخت. این تحقیق با طرح این پرسش که از تجربه‌های مرمت نیمه نخست سده چهاردهم شمسی ایران چه مکتوباتی در خصوص مطالعه آثار معماری برجای مانده و جایگاه این مکتوبات در تاریخ‌نویسی معماری چیست؟ با ارجاع به مستندات که از راه مرمت برجای مانده، با روش توصیفی-تاریخی پی‌گیری می‌شود. و هدف این است که رابطه مرمت و تاریخ‌نویسی در مقطع یادشده تبیین شود.

پیشینه تحقیق

در بیان پیشینه تحقیق می‌توان از محدود تحقیقاتی نام برد که فارغ از مقطع زمانی مورد نظر اشارات کوتاه و کلی به موضوع این مقاله داشته‌اند. آیت‌الله‌زاده شیرازی از نخستین کسانی است که به تحقیقات در حین مرمت توجه نشان داده و در مقدمه مقاله‌ای در باب مسجد جامع اردستان به اختصار تحقیقات مرمتی را از این نظر که مبتنی بر شواهد و مدارک عینی است، مهم دانسته است، چنانکه این تحقیقات تا حدی نظریات محققین پیشین را دگرگون می‌نماید (آیت‌الله‌زاده شیرازی، ۱۳۵۹). گالدیری شرح کوتاهی بر چگونگی دست یافتن به ساختارهای دیده نشده بنای عالی‌قاپو نوشت (گالدیری، ۱۳۶۲). همچنین ویور به اهمیت دست یافتن به چیزهایی که با باز کردن اثر تاریخی آشکار می‌شود اشاره دارد (ویور، ۱۳۸۶). در فراز کوتاهی از تاریخ‌شناسی معماری ایران، حفظ و احیای آثار تاریخی یکی از محورهای تاریخ‌نگاری معماری در ایران برشمرده شده است (گلیجانی مقدم، ۱۳۸۴). بیان نسبت حفاظت و تاریخ معماری با اتکای به برخی دستاوردهای تاریخ‌نگارانه حفاظت در ایران موضوع مقاله جداگانه‌ای است و اشاره‌ای مروری و محدود به برخی مطالعات مرمتگران شده است (ابویی و نیک‌زاد، ۱۳۹۶). با این حال برای پیشبرد تحقیق می‌توان از مکتوبات دانشورانی نام برد که درباره پیشینه مرمت در یک‌صد سال اخیر ایران نوشته‌اند. مصطفوی در کتاب تلاش در راه خدمت به آثار ملی و امید به آینده توجهات و اقدامات مرمتی را در زمانی که خود در اداره کل باستان‌شناسی حضور داشت، به‌طور مبسوط به‌تحریر درآورد (مصطفوی، ۱۳۳۴). ملک‌شهمیرزادی در ضمن مقاله‌ای درباره تاریخ باستان‌شناسی در ایران به گوشه‌هایی از تاریخ مرمت اشاره کرد (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۶۵). تشکیلات مرمت ایران از زمان پاگرفتن تا انقلاب ۱۳۵۷ نیز موضوع مقاله جداگانه‌ای است (محمدمرادی، ۱۳۸۲). درباره موضوع تاریخ‌نویسی معماری از جمله باید به تحلیل و نقدهایی که بر رویکردهای چند تاریخ‌نامه معماری ایران نگاشته شده اشاره کرد. قیومی مفروضات و روش و ساختار و محتوای تاریخ‌نامه‌هایی مانند سبک‌شناسی معماری پیرنیا، معماری ایران پوپ، معماری تیموری

در ایران و توران ویلبر و گلمبک و معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان ویلبر را بررسی کرد (قیومی، ۱۳۸۴). در تحقیق دیگری روش پوپ در تاریخ‌نویسی معماری ایران بررسی شد (طهماسبی، ۱۳۸۶).

روش تحقیق

تمرکز این تحقیق بر شناسایی و ارزیابی تجربه‌هایی در تاریخ‌نویسی معماری ایران است که از راه مرمت بناهای تاریخی در بازه زمانی حدود نیم‌سده نخست سده چهاردهم شمسی انجام شده است. از این روی، به منابع دست اولی که در این زمینه و در آن مقطع زمانی منتشر شده مراجعه می‌شود و درباره مفاهیم، گرایش‌ها و زمینه‌ها به تحقیقات جدیدتر مراجعه صورت می‌گیرد. این تحقیق در حیطه تحقیق کیفی قرار می‌گیرد و از این روی که موضوع مربوط به پدیده‌ای است که لابلای رویدادهای گذشته رخ داده و با قراین تاریخی سروکار دارد، در ذیل تحقیق تاریخی پی‌گیری می‌شود و همچنین به کاوش پدیده‌ای می‌پردازد که در سیاق (زمینه‌ای) چندگانه و پیچیده قرار دارد و به توضیح آن در صورتی روایی توجه نشان می‌دهد (ونک، ۱۳۸۳، ۶۸). این تحقیق تفسیری نیز شمرده می‌شود و در مجموع با روش تحقیق «توصیفی - تاریخی» پیش می‌رود. شناسایی و سپس ارزیابی و تحلیل محتوایی اسناد مکتوب که در خلال مرمت منتشر شده مورد نظر قرار گرفته است. در این جا اتکا به منابع کتابخانه‌ای دست اول اهمیت دارد.

چارچوب نظری تحقیق در باب مرمت و مطالعه بناهای تاریخی

این تحقیق با دو متغیر مرمت و تاریخ‌نویسی معماری سروکار دارد که هریک حوزه تخصصی ویژه‌ای دارد و به سبب اشتراک در فهم اثر تاریخی در این تحقیق کنار هم قرار می‌گیرند. در تبیین این نکته باید گفت بناهای تاریخی شواهدی بر جای مانده از گذشته هستند که راه را بر شناخت تاریخ معماری می‌گشایند. به گفته استنفورد شناخت ما از گذشته تنها از طریق آنچه بر ما نمایان است میسر می‌شود؛ از راه آثار باقی مانده که ممکن است انسان، شیء فیزیکی یا اندیشه باشد (استنفورد، ۱۳۹۳، ۲۱۱). اثر معماری که شاهد مادی تاریخ معماری به شمار می‌رود، همچنین موضوع کار حفاظت و مرمت است. در این باره، منشور ونیز^۱ که برای حفاظت و مرمت بناها و محوطه‌ها تنظیم شده است، در ماده ۳ خود به روشنی به ماهیت تاریخی بناها و اهمیت آنها در مقام شاهد تاریخی^۲ برای مقصود حفاظت و مرمت تأکید دارد (ICOMOS, 2016, 2). از این رو که موضوع مورد حفاظت (اثر معماری) خود گواه و شواهدی بر گذشته است، در همه مراحل حفاظت توجه جدی به این شواهد ضرورت دارد. حفاظت ممکن نمی‌شود مگر با آگاهی از ابعاد گوناگون تاریخی اثر؛ به همین سبب مطالعه اثر پیش از مرمت و پس از آن با اهمیت خوانده شده و همواره بر آن تأکید شده است. در این باره در انتهای ماده ۹ منشور ونیز آمده است «قبل از انجام هرگونه مرمت و پس از آن باید یک مطالعه باستان‌شناسی و تاریخی در مورد یادمان صورت گیرد» (ICOMOS, 2016, 3). با این وصف، در جریان حفاظت، شناخت اثر و فهم آن امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید و از این نظر، در چارچوب تاریخ‌نگاری معماری می‌توان به تأمل در نتایج پژوهشی مرمت پرداخت.

با وجود گشوده بودن راه‌های گوناگون تحقیق، در فضای مرمت بیش از هر راهی، مشاهده، معاینه و مطالعه خود بنا اهمیت فراوانی دارد و به هدف مرمتی نزدیک است؛ به این سبب که هر عملی در مرمت بر ظرایف و شواهد موجود در بنا اثر خواهد گذاشت. محققان درباره شناخت آثار معماری از راه مشاهده مستقیم نوشته‌اند. از جمله اینکه «بنای موجود باید شناخته و فهمیده و درک شود؛ این به معنای سر زدن به همه جای آن و بی‌واسطه نگاه کردن به بیرون و درون و اجزایش است. این تنها راه فهم بناست و هرچه از اهمیت این شیوه تجربی بگوئیم، کم گفته‌ایم» (Conway & Roanich, 1994, 4).

مرمت بناهای تاریخی که همراه با مشاهده شواهد ملموس و عینی است، فرصتی شمرده می‌شود که ضمن آن بررسی و مطالعه دقیق اثر ممکن می‌شود (ابوبی و نیک‌زاد، ۱۳۹۶، ۱۷۴). هرچند هدف از انجام مرمت طولانی کردن عمر بنا (Feilden, 2003, 3) و رساندن آن به دست آیندگان است و این هدف با اقدامات فنی به سرانجام می‌رسد، اما در این بین مطالعه و شناخت بنا از راه مشاهده و دیگر شگردها می‌تواند صورت پذیرد و حاصل آن اسناد و داده‌هایی است که به کار پیشبرد تاریخ‌نویسی معماری آید. بررسی اسناد مرمتی که در قالب‌های گوناگون در دسترس قرار دارند، وجه تاریخ‌نگارانه مرمت را آشکار می‌سازند. این تحقیق در حدود این چارچوب که اثر معماری شاهدهی بر تاریخ معماری است و اسناد برجای مانده میزان و نحوه پرداختن به این شواهد را نشان می‌دهد، پی‌گیری می‌شود.

زمینه‌های توجه به آثار معماری در ایران و نوشتن درباره این آثار

در سده سیزدهم هجری که مقارن با روزگار قاجاریه است، تأثیر اندیشه و اعمال غریبان بر ایرانیان رو به تزاید می‌گذاشت. یکی از این موارد گرایش به دیدن آثار و بقایای معماری قدیم و گاه تعمیر آنها بود. بسیاری از رجال قاجاریه، از جمله ناصرالدین‌شاه که به ممالک غربی سفر کرده بودند و نحوه توجه و نگهداری آثار گذشتگان را به چشم می‌دیدند، یا کتاب‌ها و روزنامه‌های ایشان را می‌خواندند، به تبع آن درباره آثار تاریخی ایران می‌نوشتند. همچنین در حاشیه نگاه برخی نواندیشان متجدد، نگاه نو به مآثر تاریخی دیده می‌شود. از جمله در یادداشت‌های حاج سیاح می‌توان این دغدغه‌ها را سراغ گرفت (حاج سیاح، ۱۳۴۶، ۴۱). نیم‌سده نخست سده چهاردهم شمسی همزمان با توجه جدی ایرانیان به آثار و بقایای تاریخی است. توجه به آثار تاریخی به معنای مدرن آن^۳ در بدنه نهادی دولتی، علاوه بر زمینه‌های پیش‌گفته مانند بسیاری از توجهات و پدیده‌های دیگر، محصول جنبش مشروطه‌خواهی ایرانیان است. به این معنا که به‌طور رسمی پس از تشکیل مجلس و تصویب قوانینی چند، اداره عتیقات به‌عنوان یکی از شعبه‌های وزارت معارف در ۱۲۹۶ شمسی به ریاست ایرج میرزا تأسیس شد (مصطفوی ۱۳۳۴، ۲۴). این اداره مسئولیت مواظبت از آثار و اطلال و صدور مجوزهای حفاری‌ها را برعهده داشت. تا پیش از این باستان‌شناسان و مورخان خارجی زیادی با پشتیبانی دولت در ایران فعالیت می‌کردند، اما گویی قصدی جز تحصیل اشیاء عتیقه نداشتند و حفاری در محوطه‌های مهمی چون شوش که آثار معماری شاخصی داشتند، حاصلی جز خرابی و تباهی آثار معماری کشف شده در پی نداشت. به‌قولی جامعه ایران متوجه آثار تاریخی نبود و اروپائیان در این زمان نوعی نگاه توأم با گرایش‌های سودجویانه داشتند (حجت، ۱۳۸۰، ۲۱۰). نوشته‌ها و اسنادی که منتشر می‌کردند مشتی بود از خروار اطلاعاتی که به دست می‌آمد. آثار معماری نفیس و تاریخی در حال استفاده یا به‌حال خود رها شده بودند و راه زوال را می‌پیمودند. خیران و بهره‌برداران معدودی از آنها را نگهداری و به آنها رسیدگی می‌کردند.

در نیمه نخست سده چهاردهم شمسی که با روی کار آمدن سلسله پهلوی همزمان است، سیاست تجددگرایی در وجوه گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با رنگ و بوی ملی‌گرایی و با پرداختن به آثار باستانی و تاریخی همراه شد (رجبی، ۱۳۵۶). گسترش کاوش‌های باستان‌شناسی و انتشار نتایج حاصل از آن و برپایی نمایشگاه‌هایی از آثار ایران در خارج از کشور و اقدامات دیگر در پیوند با همین گرایش بازخوانی می‌شود. آگاهی از آثار معماری و تاریخ‌نویسی معماری در این زمان ابتدا بیشتر به داده‌های باستان‌شناسی اتکا داشت و سپس از راه‌های دیگر توسعه یافت. مرمت آثار معماری نیز به تبع همین توجه و به‌دنبال دستاوردهای قانونی پیشرفت حاصل کرد.

بسیاری از محققان نوشتن تاریخ هنر و معماری ایران را در عصر حاضر و به‌دست غربیان می‌دانند (گلیجانی مقدم، ۱۳۸۴، ۱۹۰؛ طهماسبی، ۱۳۸۶، ۵۵). به‌جز آنچه که در سفرنامه‌ها و یادداشت‌های مسافران و سیاحان و حتی باستان‌شناسانی مانند دیولافوآ نوشته شده و به‌دست ما رسیده است، آثار ایران به‌سرپرستی گذار و سیری در هنر ایران از نخستین تجربه‌های تاریخ‌نویسی معماری ایران با رویکردهایی^۴ مختلف محسوب می‌شود. بعد که نوشتن دربارهٔ هنر اسلامی باب شد، کسانی چون ویلبر معماری/اسلامی/ایران در دوره/یالخانان را تهیه کرد و چندی بعد با همان ساختار، با همکاری ویلبر و گلمبک دربارهٔ معماری تیموریان تاریخ‌نامه‌ای مفصل تهیه شد. مشابه چنین تحقیقاتی را رناتا هُلْد و دیگران نیز با رویکردهای دیگری به‌سرانجام رساندند. معدود کسانی همچون پیرنیا بر تحقیق دربارهٔ تاریخ معماری ایران و بعدها تاریخ‌نویسی معماری ایران با رویکرد پرداختن به سبک و شیوهٔ معماری اهتمام ورزیدند. علاوه بر این تاریخ‌نویسی‌های منسجم، تاریخ‌نامه‌های دیگری در جریان فعالیت‌های باستان‌شناسی و همچنین حفاظت و مرمت با رویکرد دوره‌های تاریخی یا تک‌نگاری تدارک دیده شد که در این تحقیق به پاره‌ای از این تاریخ‌نویسی پرداخته خواهد شد.

نگاهی به تجربه‌های عملی مرمت و نوشتن دربارهٔ آثار معماری

مرمت به‌معنای پیشامدرن آن سابقهٔ طولانی در ایران دارد، زیرا ایرانیان از پیشگامان ساخت بناها و سکونتگاه‌ها بودند و علاوه بر اینکه می‌ساختند، دست به تعمیر هم می‌زدند. در این باره در متون و اسناد تاریخی اشارات قابل تأملی وجود دارد، اما چون مقصود در این تحقیق جستجوی چنین سابقهٔ طولانی‌ای نیست، از آن صرف نظر می‌شود.

مرمت دورهٔ مدرن در ایران دست‌کم در دو مقطع یا دوره قابل بررسی است. دورهٔ اول از تأسیس ادارهٔ عتیقات در ۱۲۹۶ تا ۱۳۴۵ شمسی؛ دورهٔ دوم از تأسیس سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران در ۱۳۴۶ تا امروز. این دو دوره هم به‌لحاظ نحوهٔ اندیشه و عمل مرمت و هم به‌لحاظ نتایج آن در حوزهٔ تاریخ‌نگاری معماری ایران واجد تفاوت‌های شکلی و محتوایی است. اما وجه مشترکی که در هر دو دوره می‌توان ردیابی کرد، تحقیقاتی است که در بناهای تاریخی به‌طور پراکنده یا منظم در حین مرمت صورت می‌گرفت. به‌قولی، اصولاً فعالیت‌های اجرایی مرمت همواره به‌دنبال مراحل تحقیقاتی و مطالعاتی انجام می‌شده که بخش عمدهٔ آن بر اساس تاریخ‌نگاری معماری است و گاه دست‌اندرکاران این حوزه به‌تدریج به تاریخ‌نگاری معماری ایران وارد شدند (گلیجانی مقدم، ۱۳۸۴، ۱۹۱). از همان دههٔ اول سدهٔ چهاردهم شمسی که تعمیر و مرمت بناهای تاریخی پی گرفته شد، دغدغهٔ مطالعهٔ بناها در حین مرمت سر باز کرد. به‌این معنا، کسان کم‌شماری که در مراحل اجرایی کار تعمیرات دستی بر آتش داشتند، علاوه بر کار اجرایی و محافظت از آثار معماری، تحقیقاتی را به‌ثمر می‌رساندند. در این روزگار اولیه، انتظار فعالیت مستند و علمی از همهٔ اقدامات مرمت داشتن چندان واقعی نیست. بنابراین مطالب منظم، اسناد فنی تنظیم شده و گزارش کار منبث از فعالیت مرمتی در دست نیست. اما برخی سرپرستان کار مرمت، اهل قلم و نوشتن هم بودند و از سرِ علاقمندی و کنجکاوی دست به‌انتشار مقاله‌ها و مطالبی می‌زدند که داده‌ها و محتوای اصلی‌شان از راه تعمیر و مرمت بناهای تاریخی حاصل آمده بود. حاصل این تحقیقات مانند تحقیقات باستان‌شناسی، بسته و گریخته در نوشتن تاریخ هنر و تاریخ معماری به‌کار گرفته می‌شد. دورهٔ نخست از این نظر که نخستین نگاه‌ها به تاریخ‌نویسی معماری را از دریچهٔ مرمت بیان می‌دارد، محل تأمل و موضوع این تحقیق است.

اگر قرار باشد به تجربه‌های مشابهی در نقاط دیگر دنیا پرداخته شود، این موضوع در مرمت‌های مدرن، به‌ویژه در سدهٔ نوزدهم قابل ردیابی است. مثلاً نتیجهٔ تحقیقات ویوله لودوک در فرانسه که همراه با

نقشه‌هایی دقیق و با جزئیاتی از بناها بود، تدوین مجموعه ده جلدی *لغت‌نامه معماری فرانسه* برگرفته از بناهای تاریخی را در پی داشت. وی برحسب ضرورت مرمت و احیای بناها دست به تهیه مستندات و تعیین دوره‌های ساختمانی می‌زد (یوکیلتهو، ۱۳۸۷، ۱۵۵).

یافته‌های تحقیق

در طی مطالعه و بررسی منابع و اسناد این تحقیق دو نکته برجسته به چشم می‌آید، یکی کسانی که فراهم آورنده این منابع بوده‌اند. این‌ها سرپرستان مرمت بناهای تاریخی از همان آغاز کار مرمت در ایران بودند و درباره آن بناها می‌نوشتند. دیگری خود آثار مکتوبی است که در قالب تاریخ‌نویسی معماری منتشر می‌شد. مختصری درباره پدیدآورندگان منابع گزینش شده گفته شده، سپس محتوای تاریخ‌نوشته‌ها معرفی، بررسی و تحلیل خواهد شد.

مرمطگران و تاریخ‌نویسی معماری

آندره گدار^۵ در پی لغو قرارداد انحصاری کاوش باستان‌شناسی میان ایران و فرانسه به‌عنوان مدیرکل عتیقات^۶ به ایران آمد و مهم‌ترین مسئولیت آن اداره برنامه‌ریزی و سرپرستی تعمیرات آثار تاریخی و نظارت بر کاوش‌های باستان‌شناسی به‌شمار می‌رفت. از مهم‌ترین اقدامات گدار تحقیق در تاریخ معماری ایران به‌شمار می‌رود. در مناطق گوناگون ایران، نماینده‌های باستان‌شناسی که همه آنها ایرانیان بودند، سرپرستی مرمت بناها را زیر نظر گدار بر عهده داشتند. با توجه به اسناد بررسی شده در این تحقیق که در ادامه خواهد آمد، در همان دهه‌های نخست سده چهاردهم شمسی برخی کسانی که به‌کار تعمیرات بناهای تاریخی اشتغال داشتند درباره آثاری که در دست تعمیر بود، می‌نوشتند. در ادامه چند تن که آثارشان شاخص‌تر است معرفی می‌شوند.

علی سامی^۷ که از ۱۳۱۵ سرپرست تعمیر بناهای تاریخی فارس بود، به‌سبب اشتغال به کاوش‌های باستان‌شناسی دست در کار تحقیق داشت. علاوه بر این حاصل مطالعات خود را درباره بناهایی که مرمت می‌کرد، به‌طور منسجم می‌نوشت. جواد مجدزاده^۸ صهبا^۹ در دهه ۱۳۲۰ به‌سبب مسئولیتی که در اصفهان، یزد و کرمان داشت، به آثار تاریخی سرکشی می‌کرد و سرپرستی مرمت‌ها را برعهده داشت و از این راه مطالبی درباره برخی از آنها در مجله‌ها می‌نوشت. تحقیقات او با استناد به شواهد تازه کشف شده در حین تعمیر بناها بود. اسماعیل دیباج^۹ نماینده باستان‌شناسی در آذربایجان شرقی و غربی، سرپرست مرمت بناها بود. وی در کتابی آثار معماری شاخص را شرح داد. قاطبه نوشته‌های دیباج از راه مشاهدات و بررسی‌هایی است که در هنگام سرکشی‌ها و سرپرستی تعمیرات و مرمت بناها از حدود ۱۳۱۳ حاصل آمده بود. وی در شرح حال هر بنایی که نوشته، به نحوه مرمت و سرگذشت تعمیرات اشاره‌ای کرده است. تصاویر ملحق به متن کتاب نیز چنین چیزی را نشان می‌دهد (دیباچ، ۱۳۴۳). گاهی شرح حال بنا چیزی نیست جز سرگذشت خرابی‌ها و اقدامات تعمیرات آن. نصرت‌الله مشکوتی^{۱۰} که سرپرستی تعمیر برخی بناها را در دهه ۱۳۱۰ برعهده داشت، حاصل مشاهده‌ها و اندازه‌گیری‌هایش را درباره برخی بناها نوشت. محمدکریم پیرنیا^{۱۱} در دهه ۱۳۳۰ به‌کار سرپرستی تعمیرات بناهای مهم تاریخی اشتغال داشت و در کنار تحقیقات گسترده‌اش، گاهی حاصل کشفیات جدید در حین مرمت را مکتوب می‌ساخت. برخی از این تحقیقات یا در نوشته‌های دهه‌های بعد وی سربرآورده یا در نوشته‌های کسان دیگر، به‌نقل از وی انتشار یافته است. هنگامی که انجمن آثار ملی ایران در ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۲ آرامگاه خیام را می‌ساخت، در

کنار آن تا ۱۳۴۴ دست به تعمیر امام‌زاده محروق زد. محمود علمی، مدیر سابق انبیه تاریخی اداره کل باستان‌شناسی از سوی آن انجمن عهده‌دار تعمیرات این بقعه و آرامگاه عطار بود. وی نتیجه مشاهدات و پیگردی‌های حین مرمت را منتشر ساخت.

تاریخ‌نوشته‌های معماری در جریان مرمت نیمه نخست سده چهاردهم شمسی

جز تاریخ‌نامه‌هایی که در نیمه نخست سده چهاردهم شمسی درباره معماری ایران فراهم آمده، نوشته‌های پراکنده‌ای در مجله‌ها و لابلای کتاب‌ها وجود دارد که با جستجو در آنها می‌توان تصویر کامل‌تری از تاریخ‌نویسی معماری به دست داد. از جمله اقدامات اداره کل باستان‌شناسی طرح انتشار کتاب *آثار ایران*^{۱۲} بود که به زبان فرانسه در هلند چاپ می‌شد و سپس ترجمه فارسی هر دفتر آن در ایران منتشر می‌گردید^{۱۳} (مصطفوی، ۱۳۳۴، ۷۶). با بررسی مقالاتی که گذار در *آثار ایران* نوشت، می‌توان فهمید محتوای مطالب از دو راه حاصل می‌شد: (۱) مشاهدات و مطالعات حین ثبت آثار ملی و (۲) مشاهدات و مطالعات حین تعمیر و مرمت این آثار. همچنین، نوشته‌هایی که از راه مرمت فراهم آمده یا مرمت مناسبی برای بازتاب مطالعات بوده و در منابع گوناگون منتشر شده، گردآوری و تحلیل شده است؛ از جمله در مجله‌های مهر، یادگار و هنر و مردم و در کتاب‌هایی نظیر شیراز شهر جاویدان، پاسارگاد و راهنمای آثار تاریخی آذربایجان شرقی و غربی. یافتن چنین مطالبی گاه آسان نیست، زیرا ممکن است نویسنده اشاره‌ای به نحوه به دست آوردن داده‌هایش نکرده باشد. با این حال بسیاری از نوشته‌ها از این روی که نویسنده منبع مشاهداتی و نحوه کسب داده‌ها را ذکر کرده، می‌تواند تشخیص داده شود. نمونه‌هایی که برجسته‌تر می‌نمودند با منظور کردن تنوع نتایج بررسی شده‌اند (جدول ۱).

جدول ۱. معرفی نمونه منابع مطالعه شده که از راه مرمت فراهم آمده‌اند

موضوع مطالعه (اثر معماری)	نوع سند	مأخذ	دانشور
مسجد جامع اصفهان، مقبره بابا قاسم و مدرسه امامی، آثار خراسان (رباط شرف، مسجد گناباد و سنگان بالا)	کتاب	<i>آثار ایران</i>	آندره گدار
مسجد عتیق شیراز، آرامگاه کوروش، کاروانسرای پاسارگاد، مسجد اتابک پاسارگاد، باغ و عمارت کلاه فرنگی شیراز، مقبره شاهچراغ و مقبره شیخ یوسف سروسرستانی	کتاب	<i>شیراز شهر جاویدان پاسارگاد</i>	علی سامی
امام‌زاده اسماعیل و مدرسه چهارباغ اصفهان، گنبد سبز کرمان، خانقاه بندرآباد و دروازه یزد	مجله	<i>مهر یادگار</i>	جواد مجدزاده صهبای
مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، مسجد کبود تبریز، گنبد سرخ مراغه، مسجد جامع و سه گنبد مراغه، قره کلیسا و ...	کتاب	<i>راهنمای آثار تاریخی آذربایجان شرقی و غربی</i>	اسماعیل دیباج
گنبد قابوس	مجله	<i>هنر و مردم</i>	نصرت‌الله مشکوتی
بقعه شاه عبدالعظیم	مجله	<i>انجمن آثار ملی</i>	محمدکریم پیرنیا / محمدتقی مصطفوی
امام‌زاده محروق نیشابور	کتاب	<i>یادنامه شادروان حسین علاء</i>	محمود علمی
تخت مرمر	مجله	<i>هنر و مردم</i>	یحیی ذکاء
باغ شاه فین	مجله	<i>هنر و مردم</i>	حسن نراقی

در جریان این تحقیق منابعی که نزدیک‌ترین نسبت را با مرمت و تاریخ‌نویسی معماری دارند برگزیده شده‌اند. با اتکای به این اسناد سه دسته محصول مطالعاتی در حوزه تاریخ‌نگاری معماری که از راه مرمت حاصل آمده، تشخیص داده می‌شود: (۱) نوشته‌هایی که بخشی از تاریخ‌نامه معماری را تشکیل می‌دهد؛ (۲) تحقیقاتی مستقل درباره بناهای تاریخی و (۳) انعکاس در مطالعات دیگر. در ادامه به شرح یافته‌ها پرداخته می‌شود که در ذیل دسته‌بندی یادشده ذکر می‌شود.

تحقیق و نوشتن درباره بناها در حین مرمت

تحقیقاتی که مرمتگران رأساً دست در کار تعمیر بناها داشتند، یا در نوشتن فرازهایی از تاریخ‌نامه‌های معماری به‌کار رفته یا خود تحقیقات مستقلی از کار درآمده و در قالب مقاله‌های کوتاه و بلند منتشر شده است.

- نوشتن بخشی از تاریخ‌نامه معماری

در آثار ایران، در بخش «ملحقات» مقاله «مسجد جمعه اصفهان»، ضمن درج مطالب تکمیلی درباره شبستان محراب اولجایتو به تفصیل درباره کشف نمای رو به صحن این شبستان در حین تعمیرات ۱۳۱۵/۱۹۳۶ و ۱۳۱۷/۱۹۳۸ صحبت شده است. پس از برداشتن لایه‌های تزئینی روی، ستون عصر سلجوقی داخل یکی از پایه‌ها آشکار گردید^{۱۲} و از همین‌جا معلوم شد حد صحن در دوره سلجوقی نیز تا همین‌جا بوده است. و با اتکا به شواهد دیگر نتیجه حاصل شده، شبستانی که محراب اولجایتو (۷۱۰ق) در آن قرار دارد، در زمان فرمانروایی شاه محمود مظفری (۷۵۱ق) بنا شده است (گدار، ۱۳۸۵ الف، ۲۸۳-۲۸۷). همچنین در حین تعمیرات سقف پشت ایوان غربی اجزای کتیبه‌ای از جنس گل پخته با لعاب مینایی آشکار شد که مربوط به نیمه دوم سده ششم هجری است و این نتیجه حاصل می‌شود که مسجد در این زمان به‌طرح چهارایوانی درآمده بود (گدار، ۱۳۸۵ الف، ۲۸۹). گدار طی سفر ۱۳۱۹/۱۹۴۰ به خراسان، از بناهایی مانند رباط شرف، مسجد گناباد و سنگان بالا که در حال تعمیر و مرمت بودند، بازدید کرد و به این مناسبت و با فرصتی که در محل دست داده بود، به بررسی این آثار پرداخت و درخصوص مسائل معماری و تاریخ تغییرات و تحولات آنها نوشت (گدار ۱۳۸۵ ب، ۱۷۵-۲۴۰). در مقاله «مقبره باباقاسم و مدرسه امامی» (گدار ۱۳۸۵ ب، ۳۳۶-۳۵۲) به این مطلب اشاره شده که برخلاف نظر محققان دیگری نظیر مری کرین^{۱۵}، مقبره و مدرسه در اوایل سده هشتم هجری بنیان نهاده شده و با توجه به افزوده‌های معماری و تزئیناتی زمان شاه محمود مظفری (نیمه دوم سده هشتم هجری) به‌همراه بنای دیگری که بین این دو بنا ساخته شد، مجموعه بناهایی به‌هم پیوسته در این دوره بوده‌اند. وی در جای جای این مقاله با استناد به آثار و شواهدی که درحین مرمت به‌دست آمده، ازجمله قطعه کاشی به‌تاریخ ۷۵۵ق (گدار ۱۳۸۵ ب، ۳۴۷)، به‌بیان نظراتش پرداخته است (گدار ۱۳۸۵ ب، ۳۴۶ و ۳۵۲).

در کتاب شیراز شهر جاویدان که شرح مشاهده‌ها و تحقیقات سامی در جلگه شیراز است، در دنباله بازگویی بازسازی خدای‌خانه مسجد عتیق که از ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۶ شمسی ادامه داشت، به شرح و معرفی جنبه‌های گوناگون فنی، تاریخی و اجتماعی این مسجد کهن پرداخته شده است (سامی، ۱۳۶۳، ۵۶۹). در شرح باغ و عمارت کلاه‌فرنگی و تعمیر آن که برای تأسیس موزه پارس آماده می‌شد، به کشف محل دفن کریم‌خان در شاه‌نشین شرقی این عمارت اشاره شده است. مقبره در زیر قفسه‌ای است که شمشیر منقوش به شعر کریم‌خان را روی آن گذارده بودند. قبر خالی از اسکلت بود و تکه‌های چرم بلغار که جسد را در آن پیچیده بودند دیده می‌شد^{۱۶} (سامی، ۱۳۶۳، ۵۹۲). همچنین درباره بنای مقبره شیخ یوسف سروستانی توصیف و مطالعه‌ای صورت گرفته که حاصل تحقیق هنگام تعمیرات این بنا از ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۹ بوده

است؛ از جمله مقایسه آن با کاخ سروستان (سامی، ۱۳۶۳، ۵۶۳). بقایای مسجدی در سده ششم هجری در زمان حکومت اتابک مظفرالدین زنگی بن مودود پیرامون آرامگاه کوروش در پاسارگاد از سنگ‌های کاخ ساخته شده و حاوی سنگ‌نوشته‌ای بر سردر بود در ۱۳۵۰ به‌طور کامل برچیده شد و برخی سنگ‌ها به مکان کاخ منتقل گردید (سامی، ۱۳۶۳، ۴۸۱).

او در کتاب پاسارگاد ضمن شرح تعمیرات آرامگاه کوروش در ۱۳۲۸، پس از معرفی کامل معماری آرامگاه، به کشف دو قبر در پشت بام اشاره شده کرده و برخلاف نظر مورخان یونانی و محققان غربی، آنها را قبر کوروش و همسرش معرفی نموده است (سامی، ۱۳۳۰، ۴۵-۵۱). در بازچاپ کتاب پاسارگاد به بقایای کاروانسرای پاسارگاد، واقع در پشت آرامگاه کوروش هخامنشی اشاره نموده و ضمن شرح مرمت‌هایی که به انجام رسیده، این بنا را با ارجاع به اینکه در زمان شاه شجاع مظفری (سده هشتم هجری) با استفاده از سنگ‌های کاخ ساخته شده بود، معرفی نموده است (سامی، ۱۳۷۵، ۱۹۲-۱۹۴).

کتاب راهنمای آثار تاریخی آذربایجان شرقی و غربی که تاریخ‌نامه مستقلی است، شرحی عینی درباره بناهایی نظیر مسجد کبود تبریز، گنبدسرخ و گنبد کبود مراغه، بقعه شیخ شهاب‌الدین اهر، بقعه شیخ صفی اردبیل، مقبره شیخ جبرائیل کلخوران، مسجد جامع و سه گنبد ارومیه، کلیسای طاطاوس (قره کلیسا)، پل دختر میانه و شرح تعمیرات سایر بناها در ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۹ است که نگارنده خود حاضر و ناظر بوده است (سامی، ۱۳۷۵، ۶۰-۶۶).

- تحقیقات مستقل درباره بنا

صهبا هنگامی که در سال ۱۳۱۹ به تعمیر و تجدید کاشی‌های گنبد امام‌زاده اسماعیل اصفهان اشتغال داشت، به‌اختصار درباره آثار سلجوقی و صفوی این بنا مطالبی ذکر کرده است (مجدزاده صهبا، ۱۳۲۳، ۷۷-۷۸). سپس درباره فضا و آرایه‌های سده هشتمی (مظفری) سخن به میان آورده و در چوبی همین دوره را با کتابه‌های کوفی‌اش معرفی کرده است (مجدزاده صهبا، ۱۳۲۳، ۷۹). در دو شماره آذر و دی ۱۳۲۱ مجله مهر مقاله‌ای با عنوان «مدرسه چهارباغ» چاپ شده که حاصل مشاهدات و تحقیقات مجدزاده صهبا در هنگام مرمت این بنای معظم است. توصیف فضاهای مدرسه و بازنویسی و شرح کتابه‌های صفوی و قاجاری محتوای اصلی این نوشتار را تشکیل می‌دهد (مجدزاده صهبا، ۱۳۲۱ الف و ب). این مقاله مشحون از اطلاعاتی درباره تعمیرات و مرمت‌های پیشین و در حال انجام است و همچنین بی‌مبالاتی‌هایی که در تعمیرات پیشین صورت گرفته بود را نشان می‌دهد (مجدزاده صهبا، ۱۳۲۱ الف، ۱۸۹ و ۱۹۱). فهرستی از تعمیرات پیشین که به‌دست‌یاری علما از ۱۳۳۴ ق صورت گرفته ذکر شده است. از ۱۳۱۴ اداره فرهنگ اصفهان تحت تعلیمات اداره کل باستان‌شناسی تعمیرات مدرسه را آغاز کرد (مجدزاده صهبا، ۱۳۲۱ ب، ۲۷۱-۲۷۰). صهبا در ضمن شرح سی‌پاره‌ای قدیمی که موقوفه بی‌بی ترکان حاکم زن قراختایی کرمان برای مقبره پدر و مادرش بوده، با استفاده از مطالعات میدانی و شفاهی در کرمان و استفاده از برخی مکتوبات به جریان ساخت، استفاده و تخریب تدریجی بنای مدرسه ترکان موسوم به گنبد سبز، در کرمان پرداخت (مجدزاده صهبا، ۱۳۲۴، ۳۲-۳۳). از صهبا مقاله‌های دیگری هم برجای مانده که ایده و داده‌های آنها در حین سرکشی تعمیرات آثار به‌دست می‌آمد. دروازه نهصدساله یزد در یادگار، آثار تاریخی بندرآباد یزد [خانقاه] در مجله باستان‌شناسی نمونه‌هایی از این دست به‌شمار می‌روند.

مشکوتی^{۱۷} طی مقاله‌ای در هنر و مردم درباره شهر قدیم جرجان نوشت و در ادامه به شرح برج گنبد قابوس پرداخت و درباره مصالح و جزئیات ساخت آن، طرز ساخت گنبد مخروطی با آجرهای ریشه‌دار به بحث پرداخت. اطلاعات راجع به گنبد قابوس حاصل مشاهده و بررسی نویسنده در حال مأموریت

تعمیر و مرمت بنا در سال ۱۳۱۸ بوده است. از جمله موفق شده با دست یافتن به رأس گنبد، از کف بنا تا رأس مخروط را برای نخستین بار به اندازه ۳۷ متر اندازه‌گیری کند (مشکوتی، ۱۳۴۵، ۳۹).

محمدکریم پیرنیا^{۱۸} در حین تعمیرات بقعه شاه‌عبدالعظیم حسنی در دهه ۱۳۳۰ درحالی که الحاقات رویی ورودی شمالی گنبدخانه را برمی‌داشتند، موفق به کشف کتابه کوفی آجری احتمالاً از عصر بوئیان (سده چهارم هجری) شد. علاوه بر این شواهد دیگری نشان می‌داد مقبره در صورت اولیه‌اش در سده چهارم هجری بنای آجری چهارضلعی و برجی شکل بوده است. گزارش و کروکی طرح بنای اولیه‌ای که پیرنیا در آن زمان تهیه کرده بود را ۲۵ سال بعد محمدتقی مصطفوی به همراه برخی تحقیقات تاریخی در نخستین شماره مجله/نجم آثار ملی به چاپ رساند (مصطفوی، ۱۳۵۳، الف، ۷۶-۹۰). علاوه بر این، مطالعات حین تعمیراتی که پیرنیا تا ۱۳۴۵ به انجام می‌رساند، سال‌ها بعد در مقاله‌ها و یادداشت‌هایش منتشر شد.

محمود علمی که عهده‌دار تعمیرات بقعه امامزاده محروق و آرامگاه عطار بود، در فرازی از یادنامه شادروان حسین علاء با عنوان «مختصری از شرح حال جناب امامزاده محمد محروق و بقعه تاریخی آن» با توجه به مشاهدات و گمانه‌زنی‌های حین مرمت، درباره تاریخ آمدن امامزاده و سیر تاریخی بقعه و وضع فعلی و اجزای آن که مربوط به زمان تیموریان است و درباره باغ نوشت و تعمیرات انجام شده را شرح داد (انجمن آثار ملی، ۱۳۴۴، ۴۰-۴۵).

مرمت مناسبی برای نوشتن درباره بناها

گاهی محققان دیگری که در کار مرمت نبودند، بلکه نظاره‌گر این رویداد بودند یا به‌نحوی از نتایج محققان حاصل از مرمت آگاهی می‌یافتند نیز دست به تاریخ‌نویسی درباره آن بناها زدند. در ذیل نمونه‌هایی ارائه می‌شود.

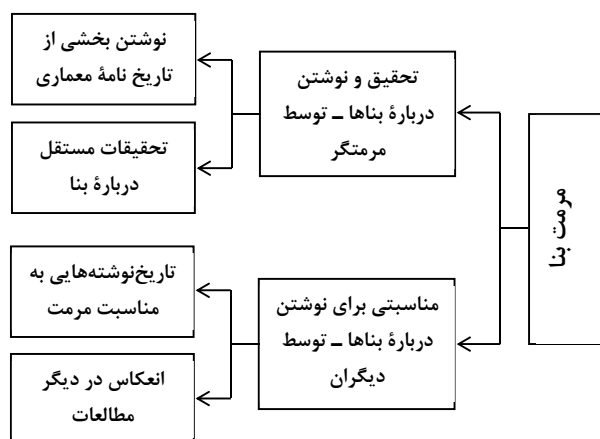
- تاریخ‌نویسهایی به مناسبت مرمت

یحیی ذکاء^{۱۹} در سال ۱۳۴۱ در مجله هنر و مردم مقاله دنباله‌داری با عنوان «تخت مرمر» نوشت. وی ابتداء اشاره کرد این بنا تحویل هنرهای زیبا گردید و به‌دست تعمیرکاران و استادکاران ماهر در آن مرمت‌هایی انجام شد و پس از سال‌ها فرسودگی و اندراس جانی به‌خود گرفت. با این اقدام، از این پس نویسنده این مقاله مصمم گردید تاریخچه مختصری از سوابق این بنا و وضع آن تهیه کند (ذکاء، ۱۳۴۱، ۱۰). آنچه که ذکاء درباره تخت مرمر نوشته تاکنون مهم‌ترین تحقیق درباره این بناست. بنا به اظهار نویسنده، معلوم می‌شود مرمت این بنا موجب تحریک و ترغیب نویسنده برای طرح‌ریزی چنین تحقیقی شده بود. درحالی که ذکاء مرمتگر نبوده، اما مرمت انگیزه و مناسبتی برای او در این کار فراهم آورده است. به‌مانند اهتمامی که اعتمادالسلطنه درباره برج طغرل به‌خرج داده بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۲، ق، ۱۱۶-۱۲۰).

حسن نراقی^{۲۰} پس از تعمیراتی که در باغ فین صورت گرفت، در مقاله شیوایی سرگذشت این باغ را شرح داده و به ذکر توسعه، خرابی‌ها و همچنین تعمیراتی که خود شاهد آن بوده پرداخته است. از جمله اینکه در عصر مشروطه، در جریان یاغی‌گری نائب حسین کاشی، اشیاء و اساس باغ مانند بقایای آهن‌های کلاه فرنگی عصر صفوی را به غارت بردند و چند سال بعد توطئه‌ای برای ربودن و تملک باغ در بین بود که با حسن نیت حسن تقی‌زاده جلوگیری شد و در ۱۳۱۳ به‌اهتمام علی‌اصغر حکمت در فهرست آثار ملی ثبت شد. همچنین با کوشش‌های محمدتقی مصطفوی تعمیرات باغ آغاز گردید و موزه بر محل خرابه‌های خلوت نظام‌الدوله و بنای نوساز بر روی خرابه‌های خلوت کریم‌خانی ساخته شد (نراقی، ۱۳۴۲، ۴۲).

انعکاس در مطالعات دیگر

برخی آثار و شواهد مهم معماری در حین تعمیرات آشکار می‌شد که ممکن بود در همان زمان مطلب قابل‌اعتنایی درباره آنها نوشته نشده باشد، اما در مشاهده‌ها و نوشته‌های محققان دیگری سر برآورد. نمونه‌ای از این دست سردر مسجد جورجیر اصفهان است که استاد حسین معارفی در حین تعمیرات دهه ۱۳۱۰ این سردر را از پشت سقاخانه و بناهای الحاقی تمیز داده و آشکار کرد (مصطفوی، ۲۵۳۵ ب، ۶). این سردر بقایای «مسجدنو» مورد اشاره مافروخی است که ابوالقاسم بن عباد در سده چهارم هجری در دوره صدرتش در اصفهان ساخته بود. هنرفر در گنجینه تاریخی اصفهان به ذکر این سردر پرداخته و درباره کتیبه‌های آن نوشت^{۲۱} (هنرفر، ۱۳۵۰، ۴۰-۴۳). با اینکه محققان، معماری سلجوقیان را از ابداعات بدون گذشته نزدیک می‌شمردند، گالدیری در شرح یافته‌های مربوط به مسجد آل بویه اصفهان از چنین اثری نتیجه گرفته بود که در زمان پادشاهان دیلمیان سبک به‌خصوصی در ایران به‌وجود آمده بود و سلجوقیان با آنکه از حیث سیاست و مذهب با ایشان اختلاف داشتند، اما در اصول ساختمانی بنا نهاده تغییر چندانی ندادند (گالدیری، ۱۳۵۴، ۸).



شکل ۱. دیگرام یافته‌های تحقیق (نتایج تاریخ‌نگارانه مرمت).

بحث

پس از روزگار قاجاریه، در نیمه نخست سده چهاردهم شمسی جنب و جوش چشمگیری در پرداختن به آثار تاریخی ایران به‌وجود آمده بود و باستان‌شناسان، مورخان هنر و مرمتگران به‌کار مشغول بودند. از این دوره، آثار مکتوب باستان‌شناسان و مورخان هنر که به‌صورت تاریخ‌نامه‌ها یا کتاب‌های منسجمی طبع و انتشار یافته، از شهرت بیشتری برخوردار شده است، اما آن‌طور که در این مقاله نشان داده شد، دست‌اندرکاران مرمت نیز سهمی در مطالعه آثار معماری داشتند، لیکن مکتوبات ایشان از این دریچه شناسایی و احصاء نشده است. نمونه‌هایی در این تحقیق بررسی شد که نشان می‌دهد می‌توان مطالب درخوری برای فهم نحوه پیشبرد تاریخ‌نویسی معماری از آنها استخراج کرد. چه بسا دستاوردهای مطالعاتی مرمت به‌راحتی قابل دریافت نباشد، زیرا در بسیاری از مواقع به خورد تاریخ‌نامه‌ها و مقاله‌هایی رفته که اسناد مکملی برای ردیابی آنها مورد نیاز است. اما همین مقدار نشان می‌دهد که مرمت در ایران از همان ابتدا بارقه‌های معرفتی در باب شناخت معماری و نوشتن در باب معماری از خود بروز می‌داد. هرچند درباره فعالیت تحقیقاتی حین مرمت در آن مقطع ابتدایی بحثی به‌میان نیامده، لیکن بررسی آثار مکتوب معلوم می‌دارد، علاوه بر کار اجرایی تعمیرات که در مناطق گوناگون ایران جریان داشت، اهتمام

جدی به شناخت این آثار به‌طور عینی و ملموس در پس ذهن سرپرستان مرمتی وجود داشت و برخی از آنها توسط کسانی که دستی در نوشتن داشتند مکتوب و منتشر می‌شد.

آثار منتشر شده نشان می‌دهد تاریخ‌نویسی معماری از راه مرمت، عمدتاً به مشاهده و کشف شواهد معماری در حین عملیات مرمت متکی بود و از این‌روی که دیگر محققان هنر و معماری به این نحوه کار با بنا دسترسی نداشتند، تحقیقات سرپرستان مرمت با دیگر تاریخ‌نویسی‌ها تفاوتی دارد. نوشته‌ها حاوی داده‌ها و شرح شواهد دیده نشده‌ای است که در حین مرمت به‌دست آمده‌اند و تحلیل‌ها و نتایج حول همین داده‌ها می‌گردد. هرچند این نحوه کار شباهتی با باستان‌شناسی را به‌میان می‌کشد، لیکن اهداف جداگانه‌ای را پی‌گیری می‌کند.

تحقیقات یاد شده با تصویرهایی همراه است که یا اسناد و شواهد نویافته را نشان می‌دهد، یا مکمل نوشته‌هاست. جز تاریخ‌نامه‌ای همچون *آثار ایران*، در دیگر آثار کمتر از نقشه استفاده شده است. این نکته می‌تواند بیان‌کننده این باشد که تمرکز تحقیقات بیشتر از اینکه بر مشخصه‌های معماری باشد، وجوه دیگری از تاریخ معماری همچون تاریخ، توالی ساخت، کتیبه‌ها و مسائل و حواشی بنا را روشن می‌سازد.

نکته دیگری که باید ذکر شود، این است که در نیم‌دهه ابتدایی انسجام و نظام‌یافتگی در پیشبرد تحقیقات تاریخ معماری و انعکاس آن وجود ندارد. این موضوع از این‌جا روشن می‌شود که اولاً درباره همه آثار که تعمیر و مرمت می‌شد، نوشته نمی‌شد. ثانیاً در تاریخ‌نامه *آثار ایران* که گذار مسئولیت آن را برعهده داشت و به‌صورت مجموعه‌ای از مقاله‌های بلند چاپ می‌شد، هیچ‌یک از سرپرستان مرمت مطلبی ندارند. بنابراین محدود تحقیقات صورت گرفته بنا به علاقه افراد بوده و در مجله‌هایی با موضوع تاریخ، ادبیات، هنر و دیگر موضوعات منتشر می‌شد یا در سِلک کتاب‌هایی گزارش‌گونه درمی‌آمد.

تحقیقات حین مرمت در این مقطع از دو حیث قابل بررسی است، یکی از این‌نظر که بر نوشتن تاریخ‌نامه‌ای همچون *آثار ایران* به‌سرپرستی گذار اثر گذاشت که مباحث کلان معماری ایران را پیش می‌کشید و دیگر از این‌روی که به نوشتن درباره یک یک بناهایی منتهی شد که مرمت می‌شدند. در آن زمان که ایرانیان تجربه‌ای در تاریخ‌نویسی معماری نداشتند، در پیشبرد دومی نقش برجسته‌تری داشتند و آثاری از خود بر جای نهادند. در ادامه در جدول مرتبط با محتوای منابع مطالعه شده، معلوم می‌شود آثار مورد بررسی با روش توصیفی و تحلیلی، یا ترکیبی از این روش‌ها پیش رفته‌اند و در گرایش تخصصی تاریخ معماری، تاریخی و باستان‌شناسی یا جمعی از این‌ها قرار می‌گیرند. رویکرد آنها در تاریخ‌نویسی شامل گونه معماری، منطقه‌ای و تک‌نگاری است. صورت نهایی نتایج تحقیق در قالب تاریخ‌نامه یا گزارش‌نامه ارائه شده است.

جدول ۲. تحلیل نمونه یافته‌ها

منبع (سند)	روش مطالعه	گرایش تخصصی	رویکرد تاریخ‌نویسی	صورت نتیجه
<i>آثار ایران</i>	تحلیلی	تاریخ معماری	گونه معماری، مضمون	تاریخ‌نامه
شیراز شهر جاویدان، پاسارگاد	توصیفی - تحلیلی	تاریخی، باستان‌شناسی، تاریخ معماری	تک‌نگاری، منطقه‌ای	تاریخ‌نامه، گزارش‌نامه
راهنمای آثار تاریخی آذربایجان شرقی و غربی	توصیفی	تاریخی، تاریخ معماری	تک‌نگاری، منطقه‌ای	تاریخ‌نامه
مقاله‌های مستقل: امام‌زاده اسماعیل، مدرسه چهارباغ، گنبد سبز، گنبد قابوس، شاه‌عبدالعظیم، تخت مرمر، باغ فین	توصیفی - تحلیلی	تاریخی/تاریخ معماری	تک‌نگاری	تاریخ‌نامه

نتیجه‌گیری

نخستین گام‌های مرمت در روزگار مدرن ایران که همزمان با توجه جدی و نهادمند به آثار تاریخی است را باید در ذیل مطالعه بناهای تاریخی و تاریخ‌نگاری معماری لحاظ کرد. زیرا مرمت بناها که توسط اداره کل باستان‌شناسی (پیش از آن اداره عتیقات) که آندره گدار فرانسوی که سرپرستی آن را برعهده داشت، انجام می‌شد و به‌دست ایرانیان در مناطق گوناگون جامعه عمل می‌پوشاند، این فرصت مغتنم را پدید آورده بود که بتوان برخی بناهای موضوع مرمت را بهتر شناخت و درباره آنها به تحقیق پرداخت. نخستین ایرانیانی که در زمینه مطالعه بناهای تاریخی اهتمام ورزیدند، همانا سرپرستان تعمیر و مرمت بوده‌اند. هرچند مرمت به معنای تخصصی آن مطرح نبود و اغلب کسانی که دستی در این کار داشتند، از پیشینه باستان‌شناسی، تاریخ‌شناسی، ادبیات و از این قبیل بهره‌مند بودند، لیکن از مطالعه در بناها غفلت نورزیدند. همان‌طور که در این تحقیق هم نشان داده شد، جز گدار که خود معمار و دوره دیده باستان‌شناسی بود، معمار تحصیل‌کرده دیگری در کار مرمت به کار اشتغال نداشت. از این‌روی اغلب آنچه که درخصوص تاریخ معماری نوشته شده، نگاه معمارانه به بناها و فضاها و عناصر آنها نیست. سیر تحول تاریخی بناها، آنچنان که گدار به آن می‌اندیشید، در کار ایشان مطرح نبود و مستندات فنی از قبیل نقشه‌ها حضور کم‌رنگی دارد. یعنی بیشتر نگاه از دریچه تحقیقات تاریخی، باستان‌شناسی یا سندپژوهی غلبه دارد. نتیجه اینکه، همان مطالعات محدودی که حین مرمت به‌انجام می‌رسید، با توجه به تولید کم اسناد در آن دوره و از این‌روی که بر مشاهدات عینی و بررسی شواهد تاریخی به‌دست آمده در بناها تکیه دارد، بااهمیت ارزیابی می‌شود. بیشتر این مطالعات یا در قالب تاریخ‌نامه‌هایی از قبیل آثار ایران، یا به‌صورت تاریخ‌نوشته‌هایی مستقل در قالب مقاله منتشر شده‌اند.

به‌جز منابع منتشر شده در جریان مرمت بناهای تاریخی نیم‌سده نخست شمسی که در این تحقیق به آنها اشاره شد، محتمل است اسناد دیگری از قبیل نقشه، گزارش، مکاتبه‌های اداری هم برجای مانده باشد که منتشر نشده‌اند؛ با معرفی و تحلیل آنها می‌توان ابعاد دیگر موضوع را روشن کرد. به یک معنا می‌توان نتیجه گرفت که تاریخ‌نگاری معماری ایران از همان ابتدا با تاریخ مرمت گره خورده است. بنابراین مطالعه آثار معماری در حین مرمت موضوعی است که باید در پیوند و همپوشانی و همگامی با سیر حفاظت و مرمت در ایران تبیین شود. یافته‌های تحقیق این نکته را گوشزد می‌کند که مرمت را نباید صرفاً در چارچوب مسائل فنی و اقدامات اجرایی بر روی آثار تصور کرد، بلکه خود راهی است که می‌تواند به شناخت بهتر و دقیق‌تر آثار منتهی شود. آن‌گونه چنین نگاهی در پس مرمت‌های نیم‌سده نخست بازخوانی شد.

پی‌نوشت‌ها

1. International Charter for the Conservation and Restoration of Monuments and Sites (Venice Charter 1964)
2. Historical Evidence
۳. مقصود، توجه مبتنی بر ارزش‌های موجود در آثار است نه صرفاً به‌قصد بهره‌برداری از منافع معمول مادی.
۴. در تاریخ معماری چیست؟ به‌طور کلی شش رویکرد سبک و دوره، سیره (سرگذشت)، جغرافیا و فرهنگ، گونه، فن، مضمون و مشابهت در سامان‌دهی گذشته تاریخ‌نگاری معماری برشمرده شده است (Leach, 2010, 44-75).
- تک‌نگاری را هم می‌توان به این رویکردها افزود.
۵. Andre Godard
۶. چند سال بعد اداره عتیقات به اداره کل باستان‌شناسی تغییر نام یافت.
۷. (۱۳۶۹-۱۳۶۸). باستان‌شناس و ریاست بنگاه علمی تخت جمشید و رئیس اداره باستان‌شناسی فارس و سرپرست

- تعمیرات ابنیه تاریخی.
۸. (۱۳۲۴-۱۲۸۶)، سرپرست باستان‌شناسی جنوب و مسئول تعمیرات بناهای اصفهان، یزد و کرمان.
 ۹. (تولد ۱۲۷۸). سرپرست تعمیرات ابنیه تاریخی آذربایجان، کرمان و مشهد، رئیس اداره فرهنگ اردبیل.
 ۱۰. (۱۳۵۷-۱۲۷۸). قائم مقام وزیر فرهنگ، سرپرست تعمیر برخی ابنیه، مدیر کل باستان‌شناسی، معاون آموزش و پژوهش سازمان ملی حفاظت آثار باستان ایران.
 ۱۱. (۱۳۷۶-۱۲۹۹ش). معمار و محقق تاریخ معماری ایران. معاون بخش فنی سازمان حفاظت.
12. *Athar – E Iran*
۱۳. آثار ایران در چهار جلد که شامل هشت مجلد است، به چاپ رسید. بیشتر مقالات را آندره گدار تهیه می‌کرد و کسانی چون یدا گدار، ماکسیم سیرو، مایرون اسمیت، پل پلیو، خان ملک ساسانی، مهدی بهرامی، آندره هاردی، بهمن کریمی و محمدتقی مصطفوی در آن قلم زده‌اند. دو شماره پس از جنگ جهانی منتشر شد و از آن پس متوقف ماند. شماره نخست ۱۳۱۴/۱۹۳۶ و شماره آخر ۱۳۲۷/۱۹۴۹ درآمد (مصطفوی، ۱۳۳۴، ۷۶).
 ۱۴. تصاویر پیش و پس از لایه‌برداری و نقشه در مقاله آمده است. تصاویر ۲۱۴، ۲۱۵ و ۲۱۶.
15. *Mary Crane*
۱۶. آقا محمدخان قاجار در سال ۱۲۰۶ ق پس از تصرف شیراز و حاضر شدن بر سر قبر کریم‌خان زند، دستور داد استخوان‌های کریم‌خان را در آورند و زیر پله‌های خلوت کریم‌خانی در کاخ گلستان تهران خاک کنند (ذکاء ۱۳۴۱، ۱۲).
 ۱۷. (۱۳۵۷-۱۲۷۸). قائم مقام وزیر فرهنگ، سرپرست تعمیر برخی ابنیه، مدیر کل باستان‌شناسی، معاون آموزش و پژوهش سازمان ملی حفاظت آثار باستان ایران.
 ۱۸. (۱۳۷۶-۱۲۹۹). معمار و محقق تاریخ معماری ایران. معاون بخش فنی سازمان حفاظت.
 ۱۹. (۱۳۷۹-۱۳۰۲). باستان‌شناس، کفیل اداره موزه‌ها و فرهنگ عامه، رئیس کتابخانه ملی ایران.
 ۲۰. (۱۳۶۸-۱۲۷۳). محقق تاریخ و فرهنگ کاشان و بنیان‌گذار موزه کاشان.
 ۲۱. هنرفر در پانوش ص ۴۱ گنجینه آثار تاریخی اصفهان نوشته، این سردر در جریان تعمیرات ۱۳۳۵ با نظارت وی از زیر قشر ضخیم کاهگل بیرون آمد.

فهرست منابع

- آیت‌الله‌زاده شیرازی، باقر (۱۳۵۹). مسجد جامع اردستان. فصلنامه/ثر، ۱، ۶-۵۱.
- ابوبی، رضا، و نیک‌زاد، ذات‌الله (۱۳۹۶). حفاظت معماری و نسبت آن با تاریخ معماری، با نگاه به تجربه حفاظت در ایران. دوفصلنامه مطالعات معماری ایران، ۱۱، ۱۶۹-۱۸۸.
- استفنورد، مایکل (۱۳۹۳). درآمدی بر تاریخ‌پژوهی (مترجم: مسعود صادقی). تهران: دانشگاه امام صادق و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (رجب‌المرجب ۱۳۰۲ ق). تواریخ متعلقه به مقبره طغرل، روزنامه‌شرف، نمره بیست و نهم. در دوره روزنامه شرف و شرافت (۱۳۶۳). مقدمه و فهرس جواد صفی نژاد. تهران: انتشارات یساولی و فرهنگسرا.
- انجمن آثار ملی (۱۳۴۴). یادنامه شادروان حسین علاء. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- حاج سیاح، محمدعلی (۱۳۴۶). خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت (به‌کوشش حمید سیاح، به تصحیح سیف‌الله گلکار). تهران: ابن‌سینا.
- حجت، مهدی (۱۳۸۰). میراث فرهنگی در ایران؛ سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، معاونت معرفی و آموزش.
- دیباج، اسماعیل (۱۳۴۳). راهنمای آثار تاریخی آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی، تبریز: دانشگاه تبریز.
- ذکاء، یحیی (۱۳۴۱). ایوان تخت مرمر. هنر و مردم، ۴، ۱۰-۱۷.
- رجبی، پرویز (۱۳۵۶). معماری ایران در عصر پهلوی، تهران: دانشگاه ملی.
- سامی، علی (۱۳۳۰). پاسارگاد؛ قدیمی‌ترین پایتخت کشور شاهنشاهی ایران. شیراز: اداره فرهنگ و هنر فارس.
- سامی، علی (۱۳۶۳). شیراز شهر جاویدان، چاپ سوم. شیراز: لوکس (نوید) شیراز.

- سامی، علی (۱۳۷۵). پاسارگاد پایتخت و آرامگاه کوروش هخامنشی (به‌کوشش و بازنگری غلامرضا وطن‌دوست). شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- طهماسبی، احسان (۱۳۸۶). بررسی روش پوپ در تاریخ‌نویسی معماری ایران. فصلنامه گلستان هنر، ۷، ۵۵-۶۴.
- قیومی بیدهندی، مهرداد (۱۳۸۴). بررسی انتقادی چهار تاریخ‌نامه معماری ایران. فصلنامه خیال، ۵، ۴-۳۷.
- گالدیری، اوژینیو (۱۳۵۴). اطلاعات جدیدی راجع به اصول ساختمانی معمول در مسجد جامع اصفهان. مجله فرهنگ معماری/ایران، ۱، ۱۱-۱۹.
- گالدیری، اوژینیو (۱۳۶۲). عالی‌قاپو. (مترجم: عبدالله جبل‌عاملی). اصفهان: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
- گذار، آندره و دیگران (۱۳۸۵ الف). آثار ایران (مترجم: ابوالحسن سرو مقدم)، ج ۱، چاپ چهارم. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- گذار، آندره و دیگران. (۱۳۸۵ ب). آثار ایران (مترجم: ابوالحسن سرو مقدم)، ج ۲، چاپ چهارم. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- گلیجانی مقدم، نسرین (۱۳۸۴). تاریخ‌شناسی معماری ایران؛ طرح رویکردی جدید با توجه به کاستی‌های تاریخ‌نگاری معماری ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مجدزاده صهبا، جواد (۱۳۲۱ الف). مدرسه چهارباغ. مجله مهر، ۷۳، ۱۸۸-۱۹۳.
- مجدزاده صهبا، جواد (۱۳۲۱ ب). مدرسه چهارباغ ۲. مجله مهر، ۷۴، ۲۶۴-۲۷۱.
- مجدزاده صهبا، جواد (۱۳۲۳). در تاریخ امامزاده اسماعیل اصفهان. مجله یادگار، ۴، ۷۷-۷۹.
- مجدزاده صهبا، جواد (۱۳۲۴). سی‌پاره قدیمی و وقف‌نامه ۷۷۷ ساله. مجله یادگار، ۹، ۸-۹.
- محمد مرادی، اصغر (۱۳۸۲). روند حفاظت در ایران، از تأسیس اداره عتیقات تا قبل از انقلاب اسلامی. مجله هفت‌شهر، ۱۱، ۱۴-۲۶.
- مشکوتی، نصرت‌الله (۱۳۴۵). جرجان - گنبد قابوس. هنر و مردم، ۵۱، ۳۳-۳۹.
- مصطفوی، سیدمحمدتقی (۱۳۳۴). تلاش در راه خدمت به آثار ملی و امید به آینده. تهران: مرکز باستان‌شناسی.
- مصطفوی، محمدتقی (۲۵۳۵ الف). آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) شهر ری. نشریه انجمن آثار ملی، ۳ و ۴، ۷۶-۹۰.
- مصطفوی، محمدتقی (۲۵۳۵ ب). لحظه سقوط یک مناره قدیمی. آگاهی‌نامه، ۹، ۴-۶.
- ملک شهیرزادی، صادق (۱۳۶۵). اشاره‌ای مختصر بر تحول باستان‌شناسی در ایران. فصلنامه اثر، ۱۲، ۱۳ و ۱۴، ۱۳۳-۱۶۰.
- نراقی، حسن (۱۳۴۲). باغ شاه فین در کاشان. هنر و مردم، ۱۴، ۳۶-۴۲.
- هنرفر، لطف‌الله (۱۳۵۰). گنجینه آثار تاریخی اصفهان، چاپ دوم. اصفهان: کتاب‌فروشی ثقفی.
- فیلدن، برنارد. ام و یوکیلتهو، یوکا (۱۳۸۲). رهنمودهای مدیریت برای محوطه‌های میراث جهانی (مترجم: سوسن چراغچی). تهران: سازمان میراث فرهنگی، معاونت معرفی و آموزش.
- ونک، دیوید (۱۳۸۳). تحقیق تفسیری - تاریخی در معماری (مترجم: مهرداد قیومی). مجله صفا، ۳۹، ۶۷-۱۰۱.
- ویور، ام. ای (۱۳۸۶). چند اظهار نظر. اصفهان در مطالعات ایرانی. (به‌کوشش رناتا هلود، مترجم: حشمت‌الله انتخابی). تهران: فرهنگستان هنر.
- یوکیلتهو، یوکا (۱۳۸۷). تاریخ حفاظت معماری. (مترجمان: محمد حسن طالبیان و خشایار بهاری). تهران: انتشارات روزنه.

- Conway, H., & Rowan, R. (1994). What is Architectural History? In: *Understanding Architecture* (pp. 29-44). London: Routledge.
- Feilden, B. M. (2003). *Conservation of Historic Building*, third edition. Oxford: Architectural Press.
- ICOMOS (2016). *International Charter for Conservation and Restoration*. <http://www.international.icomos.org>. last visit: 2018/2/11.
- Leach, A. (2010). *What is Architectural History?* Cambridge: Polity Press.